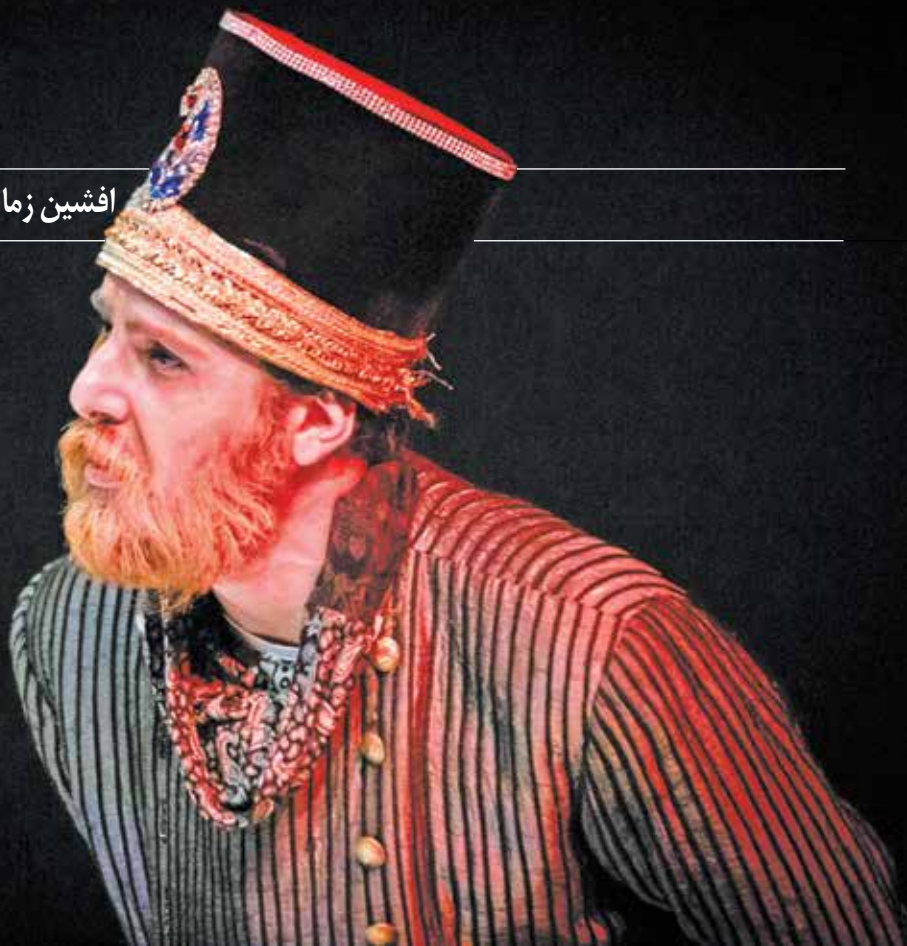


افشین زمانی، کارگردان نمایش «شازده احتجاب» در گفت‌وگو با «ایران»:

نباید تئاتر خنثی اجرا کنیم

گفت‌وگوها از احسان زیور عالم



نمایش «شازده احتجاب» به نویسندگی و کارگردانی افشین زمانی - که اقتباسی از رمان مطرح هوشنگ گلشیری است - در سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر میزبان تئاتر دوستان است. این نمایش به تاریخ زوال خاندان قاجاری می‌پردازد. افشین زمانی کارگردانی جسور است که پیش از این نیز اجرایی موفق از «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» به نویسندگی بهرام بیضایی در جشنواره فجر داشت که باعث شد جایزه کارگردانی را بگیرد. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگوی ما با افشین زمانی است.

اقبال به رمان‌های ایرانی برای اقتباس دراماتیک اندک است. چه شد در این شرایط به سراغ گلشیری و متن دشوارش رفتی؟

همیشه تلاش کردم آگاهانه مسیر و روند کارهای خودم را طی یک برنامه و نقشه راه مشخص کنم. بعد از اولین سه‌گانه تنه دلاور، آندورا، خاطرات هنرپیشه که مبنای تحقیقات من بر نمایش برشتی بود، تصمیم به شروع سه‌گانه جدیدی گرفتم. کار روی رمان‌های بزرگ جهان و ایران مبنای این سه‌گانه شد؛ ولی این اتفاق در مورد شازده احتجاب در روند نوشتن تغییر کرد. ناخودآگاه به سمتی رفتم که از رمان به طراحی جدیدی برای نمایشنامه رسیدم. شاید چون احساس می‌کردم که کشش دراماتیک رمان برای یک تئاتر کافی نباشد، چون در رمان جزئیات اهمیت ویژه‌ای دارند؛ ولی در تئاتر اتفاقات درشت‌تر و به سمت دراماتیک شدن حرکت می‌کند. در نهایت به این نتیجه رسیدم که با استفاده از اشخاص رمان و سی درصد از روند قصه در رمان، شروع به نوشتن کنم و در ادامه با طراحی‌ای که خودم روی قصه و اتفاقات داشتم اثر را از تک بُعدی بودن خارج کنم. رمان شازده احتجاب به دلیل جهانی بودن موضوع، نظر من را به خودش جلب کرد؛ چرا که در مورد قدرت و زوال آن حرف می‌زند، موضوعی که در اکثر کشورهای این کره خاکی، امروز دغدغه‌ام مردم شده است و چون معمولاً تلاش می‌کنم نمایش خنثی به صحنه نبرم که تنها وجه سرگرمی داشته باشد و همیشه تمام توانم را به کار گرفتم که مسأله آن روز در نمایشم مطرح شود، به

این رمان نزدیک شدم؛ ولی در نهایت اتفاقی که به صحنه رفت شازده احتجابی بود که افشین زمانی با نگاهی به رمان داشته است که متأسفانه چند منتقد عزیز انتظار داشتند کاملاً رمان گلشیری را در صحنه ببینند که اگر این اتفاق می‌افتاد، من و گروه اجرایی فقط انجام دهنده بودیم و نه خالق آن اثر.

اثر پیشین تو بر آمده از متن بهرام بیضایی بود. به نظر می‌رسد به ادبیات ایرانی توجه بیشتری داری. در متون ایرانی چه چیزی یافتی که در متون ترجمه شده پیدا نکردی؟

برای من آثار هنری منجمله نمایشنامه به دسته‌بندی ایرانی یا خارجی تقسیم نمی‌شوند. همیشه تلاش کردم نمایشی به صحنه ببرم که دغدغه‌مند باشد. ضمن اینکه متأسفانه در برخی از ترجمه‌های موجود کلمات تنها معنی شده‌اند و نه ترجمه. ترجمه دنیای وسیع‌تری دارد؛ زیرا با آگاهی کامل به دنیای نویسنده و شناخت کامل بر تحلیل نمایشنامه یا رمان انجام می‌شود. با وجود این حتی اگر تصمیم به اجرا کردن نمایشی که ترجمه شده است بگیرم، قطعاً آن را بازنویسی و برای اجرا در شرایط کنونی دراماتورژی می‌کنم.

با وجود انتخاب متون ایرانی نگرش تو به اجرا به هیچ عنوان مبتنی بر سنت‌های نمایش ایرانی نیست. چه رابطه‌ای میان اجراگری و متون انتخابی تو وجود دارد؟

رابطه اجرا با متون انتخابی بیشتر در تحلیل و درونمایه اثر مشخص می‌شود. من به عنوان کارگردان فرم اجرایی مد نظری دارم که در این فرم کنار هم قرار گرفتن متون ایرانی با تمام سنت‌های نمایش ایرانی و فرم اجرایی مدرن عامل اصلی تشکیل اثر است. به گونه‌ای که اگر یک نمایشنامه ایرانی را انتخاب کنم، در فرم اجرایی به سمتی حرکت می‌کنم که در نهایت اثری که به صحنه می‌رود قابل اجرا در هر کجای جهان باشد. شازده احتجاب هم اینگونه شکل گرفت که در نهایت تنها کلام نزدیک به دوران قاجار است و به دلیل جهانشمول بودن اثر قابل درک و فهم تماشاگر در هر کجای جهان است.

همواره این نگاه وجود داشته که جشنواره فجر باید محل محک زدن متون ایرانی باشد، به نظر تو چنین استنباطی به چه میزان درست است؟

چکیده آثاری که در یک سال تئاتر ایران ساخته می‌شود بیشتر به سمت متون خارجی و ترجمه می‌رود، شاید هنوز کیفیت متون نوشته شده توسط نمایشنامه‌نویسان ایرانی به حدی نرسیده باشد که بر ترجمه‌ها غلبه کند. به همین دلیل است که آثار بیضایی در سال چندین مرتبه و توسط گروه‌های مختلف به صحنه می‌رود. به نظرم این نگاه نباید فقط متوجه

جشنواره فجر باشد. اگر این نگاه از پایه‌های تئاتر که دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی است جدی گرفته شود بعد از چند سالی نتیجه بی‌نظیری خواهد داشت. از طرفی هم، جشنواره فجر با عنوان بین‌المللی برگزار می‌شود، پس نباید در بخش متون تقسیم‌بندی به این شکل رخ دهد. به نظرم با این محدودیت اتفاق ویژه‌ای نخواهد افتاد؛ چرا که این موضوع باید به صورت ریشه‌ای و پایه‌ای برنامه‌ریزی شود.

به عنوان یک کارگردان جوان چه چشم‌اندازی از فجر داری؟ آینده فجر را چگونه می‌بینی؟

جشنواره فجر برای تئاتر ایران تا سال‌ها پیش مرکز تولید آثار برای یک سال بود. به گونه‌ای که آثاری اجرای عمومی می‌داشت که الزاماً در این جشنواره به صحنه رفته باشند؛ ولی با حضور تئاتر خصوصی شکل دیگری به خود گرفت. جشنواره کامل روند عکس را در پیش گرفته است. به شکلی که آثاری که اجرای عموم رفته باشند می‌توانند در این جشنواره شرکت کنند. این موضوع پویا و خلاق بودن این اتفاق را کمتر کرد و دیگر آثار برای این جشنواره ساخته نمی‌شود و نتیجه‌ای چشمگیر برای تئاتر نخواهد داشت. جشنواره تئاتر به دلیل اینکه دارای اساسنامه، برنامه و طرح‌های ریشه‌ای نیست با حضور هر دبیر شکل جدیدی به خود می‌گیرد. بخش‌ها کم و زیاد می‌شوند. نوع انتخاب آثار فرق می‌کند و چه و چه که باعث می‌شود این جشنواره هدف مشخصی را دنبال نکند و به همین دلیل این جشنواره عقیم و عقیم‌تر می‌شود. اگر این جشنواره با هدفی مشخص و برنامه‌ریزی دقیق هر سال برگزار می‌شد، تأثیر ویژه‌ای به ساختار اصلی تئاتر ما می‌گذاشت. فکر می‌کنم در آینده این جشنواره کوچک‌تر و کوچک‌تر شود و در نهایت بدون عنوان بین‌المللی و در ابعاد کوچک‌تری به کار خود ادامه دهد.

اگر سیاستگذار فجر بودی برای این جشنواره چه تصمیمی می‌گرفتی؟

تمام تلاش‌های من می‌بود که در تمام بخش‌ها تعادل برقرار کنم. اساسنامه‌ای طراحی می‌شد که هر دبیر فقط می‌توانست با پایبند بودن به آن جشنواره را مدیریت کند، نه اینکه هر دبیر، جشنواره مد نظر خود را برگزار کند. در کل تئاتر ایران از نبود برنامه رنج زیادی می‌برد. مثلاً در به وجود آمدن پدیده‌ای به عنوان تئاتر خصوصی این موضوع کاملاً مشخص است. به شکلی که تئاتر خصوصی هیچ کمکی به تئاتر نکرد و باعث پایین آمدن فاحش کیفیت آثار شد؛ چرا که هیچ برنامه مشخصی برای این مهم وجود نداشت. سالن‌های تئاتر همچون قارچ در سطح تهران رشد کردند بدون اینکه اساسنامه و برنامه‌ریزی‌ای داشته باشد. هر کس سالن خود را دارد و با توجه به تفکر خودش سالنش را اداره می‌کند. ■

